



مرکز جهانی علوم اسلامی

مدرسه عالی امام خمینی (ره)

پایان نامه کارشناسی ارشد

گروه فلسفه و کلام

# پرسی تطبیقی آراء کلامی ابو منصور ماتریدی با علامه طباطبائی

(خدا و صفات خدا)

استاد راهنما

حجت الاسلام و المسلمین اکبر میرسپاه

اساتید مشاور

حجت الاسلام و المسلمین دکتر ابوالفضل کیا شمشکی

حجت الاسلام و المسلمین سیدلطف الله جلالی

نگارش

حیات الله ناطقی

سال تحصیلی: ۱۳۸۳ - ۱۳۸۴



مرکز جهانی علوم اسلامی

مدرسه عالی امام خمینی رحمته

پایان نامه کارشناسی ارشد

گروه فلسفه و کلام

کتابخانه جامع مرکز جهانی علوم اسلامی

شماره ثبت: ۱۱۶۳

تاریخ ثبت:

پژوهشی تطبیقی آراء کلامی  
ابو منصور ماتریدی با علامه طباطبائی

(خدا و صفات خدا)

استاد راهنما

حجت الاسلام و المسلمین اکبر میرسپاه

اساتید مشاور

حجت الاسلام و المسلمین دکتر ابوالفضل کیشمشکی

حجت الاسلام و المسلمین سیدلطف الله جلالی

نگارش

حیات الله ناطقی

سال تحصیلی: ۱۳۸۳ - ۱۳۸۴

## ﴿من لم يشكر المخلوق لم يشكر الخالق﴾

بدین وسیله از محضر استاد محترم، حضرت حجت الاسلام و المسلمین جناب استاد میرسپاه، که راهنمایی این مقاله را تقبل فرموده و با راهنمایی‌های ارزشمندشان این مقاله را پر بار ساختند؛ و هم‌چنین از استاد محترم مشاور، حضرت حجت الاسلام و المسلمین دکتر ابوالفضل کیاشمشکی و نیز برادر محترم جناب آقای سید لطف الله جلالی که با تذکرات سودمندشان ما را در نگارش این مقاله یاری دادند، کمال تقدیر و تشکر را دارم و از پیشگاه خداوند متعال برای این بزرگواران اجر و پاداشی در خور زحماتشان مسألت می‌کنم.

## تقدیم:

- به روح پاک و ملکوتی حضرت ختمی  
مرتب، محمد مصطفی ﷺ که نجات بخش انسان‌ها  
از منجلاب شرک و بت پرستی است.

- به محضر پاک و شریف منجی عالم بشریت،  
حضرت ولی عصر (ارواحنا له الفداء) که جهان در انتظار  
قدم اوست.

- به روح پاک و ملکوتی مجدد عصر،  
حضرت امام خمینی رحمته الله.

- به فرزندم مصطفی، همو که کوتاه، اما پر  
رنج زیست.

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	چکیده
۳	مقدمه
۶	کلیات
۷	تعاریف
۱۲	ضرورت بحث
۱۴	اهداف
۱۴	پیشینه تحقیق
۱۶	روش تحقیق
۱۷	تنگناهای تحقیق
۱۸	سازمان‌دهی تحقیق
۲۰	بخش اول: معرفی و تعیین جایگاه مکتب فکری علامه و مائزیدی در میان مسلمانان
۲۱	فصل اول: معرفی علامه و آثار او
۲۲	اساتید علامه
۲۴	آثار قلمی علامه
۲۵	شاگردان علامه
۲۷	فعالیت‌های علمی
۲۹	ویژگی‌های مکتب فلسفی علامه
۲۹	الف) همت والا و منش فلسفی علامه
۳۱	ب) نظرات فلسفی ابتکاری علامه
۳۳	روش تفسیری علامه

۳۷	فصل دوم: معرفی ماتریدی و آثار او
۳۹	گمنامی ماتریدی
۴۲	اساتید ماتریدی
۴۳	شاگردان ماتریدی
۴۴	تألیفات ماتریدی
۴۸	عظمت علمی ماتریدی
۵۰	ماتریدی و دیگران
۵۵	ادوار مکتب ماتریدیه
۶۰	بخش دوم: مباحث خداشناسی از منظر علامه و ماتریدی
۶۱	فصل اول: براهین اثبات خدا
۶۲	ماتریدیان و براهین خداشناسی
۶۳	حدوث عالم
۶۷	علت احتیاج به علت
۶۹	ماتریدی و ادله اثبات حدوث عالم
۷۲	علامه و ادله اثبات حدوث عالم
۷۳	براهین اثبات خدا ﷻ
۷۶	ملاحظات در باره برهان حدوث
۷۹	برهان شر
۸۲	علامه و براهین خداشناسی
۸۷	برهان صدیقین
۹۲	فصل دوم: توحید
۹۳	تعریف توحید
۹۴	اقسام وحدت
۹۶	اقسام توحید
۹۹	توحید از دیدگاه ماتریدی
۱۰۰	توحید از دیدگاه علامه

۱۰۴	براهین اثبات توحید
۱۰۴	براهین اثبات توحید از دیدگاه ماتریدی
۱۱۵	براهین توحید از نظر علامه
۱۱۹	مراتب توحید
۱۲۱	ماتریدی و مراتب توحید
۱۲۴	دو حدیث از حضرت امیر المؤمنین <small>علیه السلام</small> در باره توحید
۱۲۷	فصل سوم: اسماء الهی
۱۲۹	فرق اسم و صفت
۱۳۴	اسم اسم
۱۳۶	ضمائر، اسماء اشاره و موصولات
۱۳۸	ارزیابی این سخن
۱۴۱	راه اثبات اسماء الهی
۱۴۳	توقیفی بودن اسماء الهی
۱۴۷	وحدت اسم و مسمی
۱۵۴	مراتب اسماء الهی
۱۵۶	اسم اعظم
۱۵۸	تعداد اسماء الهی
۱۶۲	نمودار درختی اسماء الهی
۱۶۴	فصل چهارم: صفات الهی
۱۶۵	تقسیمات صفات
۱۶۶	علامه و تقسیم صفات
۱۶۷	صفات فعلیه از نظر علامه
۱۶۸	صفات فعلیه از نظر ماتریدی
۱۷۲	ارزیابی
۱۷۶	ارتباط ذات و صفات و بحث توحید صفاتی
۱۷۶	اقوال در باره ارتباط ذات و صفات



۱۷۷	ارتباط ذات و صفات از نظر علامه
۱۷۸	رد اقوال دیگر از نظر علامه
۱۷۹	ارتباط ذات و صفات از نظر ماتریدیان
۱۸۱	ارتباط ذات و صفات از نظر ابومنصور ماتریدی
۱۸۳	سخنی در مورد عبارت «لا هو و لا غیره»
۱۸۵	مشکله معنا شناختی صفات الهی
۱۸۸	صفات خبری
۱۸۹	نظر دانشمندان اسلامی در باره صفات خبری
۱۹۳	ماتریدیان و صفات خبری
۱۹۴	علامه و صفات خبری
۱۹۷	الف) آیه ید:
۱۹۸	ب) آیه وجه
۱۹۹	ج) عین
۱۹۹	تفصیل صفات الهی
۱۹۹	الف) تعداد صفات الهی
۲۰۱	ب) تعدادی از صفات جمال
۲۱۵	ج) رؤیت خداوند
۲۱۶	علامه و مبحث رؤیت
۲۲۲	ماتریدی و مبحث رؤیت
۲۳۲	خاتمه
۲۳۳	خلاصه
۲۳۳	۱. براهین اثبات خدا
۲۳۵	۲. توحید
۲۳۶	۳. اسماء الهی:
۲۳۸	۴. صفات الهی
۲۴۲	نتیجه گیری کلی
۲۴۴	کاستی ها و پیشنهادها

۲۴۶	فهرست منابع و مآخذ
۲۴۷	منابع عربی
۲۵۳	منابع فارسی
۲۵۶	دائرة المعارفها
۲۵۶	الواح فشرده
۲۵۷	پایگاه اطلاع رسانی

## چکیده

ابومنصور محمد بن محمد ماتریدی در اوائل قرن چهارم هجری در شرق جهان اسلام ظهور نموده و همانند ابوالحسن اشعری - که در مرکز جهان اسلام برخواست - به اتخاذ طریق میانه در میان افراط و تفریطی که از سوی معتزله از یک سو و اهل حدیث و حنابله از سوی دیگر اعمال می شد همت گماشت. وی علی رغم عظمت و تأثیر علمی عمیق بر متکلمان بعد از خود، همچنان ناشناخته مانده و حتی آثار قلمی اش بجز تعداد اندک، به صورت خطی باقی مانده و به نشر سپرده نشده است.

در این نوشتار آرای بی پایه که او در باب مباحث خداشناسی ابراز داشته با آراء علامه سید محمدحسین طباطبایی که یکی از ارجمندترین چهره های علمی شیعی است، به صورت تطبیقی مورد ارزیابی قرار می گیرد.

علامه و ماتریدی در مسائلی اتفاق، و در مسائلی هم اختلاف نظر دارند. اختلاف نظرهایی که بین این دو دانشمند وجود دارد، همگی به یک شکل نیست؛ در برخی از مسائل هر دو نفر دیدگاه متفاوت دارند اما در برخی دیگر، تفاوت دیدگاه وجود ندارد بلکه این مسائل از سوی ماتریدی با اجمال بیان شده ولی علامه با تفصیل بیان کرده است.

مسائل مورد اتفاق ایشان که در این تحقیق، مورد توجه قرار گرفته است، به صورت کلی

عبارتند از:

پذیرش حدوث زمانی عالم، پذیرش برهان حدوث به عنوان یکی از براهین نتیجه بخش، نادرست دانستن توصیف خداوند سُبْحٰنَہٗ وَّعَظِیْمَہٗ به وحدت عددی، تعدادی از براهین اثبات توحید، تفکیک بحث اسماء الهی از بحث صفات الهی، تفکیک اسم از اسم اسم، غیریت اسم و

مسمی، عدم توقیفیت اسماء الهی، عینیت ذات و صفات، حدوث قرآن و برخی از راه  
حل‌های مشترک در خصوص مشکله معنا شناختی صفات الهی.

مسائل مورد اختلافی که مورد توجه قرار گرفته است، عبارتند از:

انحصار براهین خداشناسی در برهان حدوث و انحصار حدوث در حدوث زمانی از  
سوی ماتریدی و عدم پذیرش چنین انحصاری از سوی علامه، تقریر متفاوت علامه از  
حدوث عالم که بر اساس حرکت جوهری استوار است، شفافیت بیشتر سخن علامه در  
خصوص وحدت غیر عددی خداوند، تفاوت جدی در برهان تمنع و برهان استخراج شده  
از آیه شریفه ﴿لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا﴾، سکوت ماتریدی در باره بسیاری از مباحث  
در ارتباط با اسماء الهی، صفات فعلیه که ماتریدیان در این باره متفاوت با فرق دیگر اسلامی  
سخن گفته اند، قائل شدن ماتریدی به کلام نفسی، قائل شدن ماتریدی به تفویض در باب  
صفات خبری و قائل شدن وی به جواز رؤیت حسی خداوند ﷻ در قیامت.

## مقدمه

مجادلات خصمانه فرقه‌های اسلامی به ویژه اهل حدیث و معتزله در سده‌های دوم و سوم هجری، پیامدهای ناگوار و جبران ناپذیری را برای جامعه اسلامی در پی داشت؛ بدین جهت ضرورت نهضتی اصلاح طلبانه که با اتخاذ راه منطقی و معتدل به این مخاصمه پایان دهد، به وضوح احساس می‌شد.

در دنیای تسنن سه شخصیت علمی به انگیزه اصلاح طلبی در عقائد دینی قیام کردند که عبارت بودند از ابوالحسن اشعری (متوفای ۳۲۴هـ.ق) در مرکز جهان اسلام، ابوجعفر طحاوی (متوفای ۳۲۱هـ.ق) در مصر، و ابومنصور ماتریدی (متوفای ۳۳۳هـ.ق) در ماوراء النهر، این سه نفر با انگیزه واحد اقدام به فعالیت کردند اما نتایجی که بدان منتهی شدند متفاوت بود.

امام ابومنصور ماتریدی بر هر دو نفر دیگر یعنی هم بر ابوالحسن اشعری و هم بر ابوجعفر طحاوی برتری دارد.

ماتریدی و طحاوی هر دو خود را شارح افکار عقیدتی امام اعظم ابوحنیفه خواندند؛ اما تفاوت آن‌ها در این بود که ابوجعفر طحاوی به صورت یک شارح تمام عیار عمل کرد؛ در حالی که ابومنصور به شرح بسنده نکرده بلکه آراء کلامی امام خود را به صورت یک مکتب کلامی نظام‌مند در آورد؛ به همین دلیل آراء او بنام خودش، یعنی «مکتب ماتریدی» گسترش یافت نه به نام ابوحنیفه؛ در عین حال جایگاه خود را به عنوان شارح مورد اعتماد افکار ابوحنیفه حفظ نمود، و هیچ یک از حنفیان میان مکتب کلامی ماتریدی و آراء عقیدتی ابوحنیفه دوگانگی احساس نمودند.

ماتریدی هیچ وقت همانند همتای دیگر خود یعنی ابوالحسن اشعری نیاز به تجربه مذاهب ضد و نقیض پیدا نکرد؛ او از زمانی که در صحنه علم و تحقیق پا گذاشت، همان راه

میانہ را برگزیده بود که بعدها بنام خودش (مکتب ماتریدی) شهرت یافت. پس ماتریدی از اوّل ماتریدی بود و تا آخر هم ماتریدی ماند، و این بر ثبات فکری وی دلالت دارد.

آرایه که ابومنصور اتخاذ نمود، نیز در مقایسه با آراء اشعری برتری داشت. بسیاری از ارباب ملل و نحل معتقدند که اگر اشعری راه وسط در میان اهل حدیث و حنبله از یک سو و معتزله از سوی دیگر را برگزید، ماتریدی راه وسط میان راه اشعری و معتزله را پیشه خود ساخت. در واقع اشعری به جای اینکه راه وسط را برگزیند، بیشتر به سوی اهل حدیث متمایل بود؛ تنها ابومنصور است که به طور نسبی توانسته از این میدان فاتحانه بیرون آید و از افراط معتزله و تفریط مخالفان معتزله در امان ماند.

افتخار شیعه این است که در سایه تعالیم اهل بیت پیامبر ﷺ، هیچ گاه از راه وسط<sup>۱</sup> منحرف نشده و در دامن افراط و تفریط نغلتیده است، بلکه در بزرگترین فتنه‌هایی که در اثر همین افراط و تفریطها دامن گیر جامعه اسلامی شد، سرفراز بیرون آمده است. از میان فرق دیگر اسلامی هر فرقه‌ای که توانسته باشد از افراط و تفریط فاصله بگیرد و خود را به راه وسط نزدیک‌تر کند به همان اندازه به شیعه نزدیک شده است.

ابومنصور ماتریدی چنین امتیازی دارد. به همین دلیل ادعای ما این است که وی بیش از هر پیشوای دیگر اعتقادی اهل سنت به شیعه نزدیک‌تر است.

نگارش این مقاله با در نظر داشت همین مطلب آغاز شده است. در این نوشتار ادعای ما این است که مشترکات ماتریدیه و شیعه امامیه بسیار بیشتر از نقاط مشترکی است که میان شیعه و فرق دیگر اسلامی وجود دارد. در این نوشتار سعی بر آن است که تفاوت‌ها و مشترکات دو مکتب کلامی امامیه و ماتریدیه به صورت تطبیقی مورد مطالعه قرار گیرد؛ امّا

---

۱. کلمه وسط بر گرفته از سخن حضرت امیر المؤمنین علیه السلام است که می‌فرماید: ﴿الیمین و الشمال مضلّة و الطريق الوسطی هی الجاده﴾ یعنی راست و چپ گمراهی است و راه اصلی همان راه میانه است. (نهج البلاغه عبده؛ خطبه ۱۶، ص ۷۱).

ناگفته پیدا است که تفاوت‌ها و اشتراکات دو مکتب ریشه دار، که در طول سالیان طولانی دانشمندان بسیار عمر خود را صرف توضیح و تبیین هریک از این دو نموده‌اند و تألیفات گرانشنگی را به یادگار نهاده‌اند، در قالب نوشتاری که اکنون در پیش روی شماست، ناممکن است پس می‌بایست که قلمرو موضوع محدود شود تا در قالب این نوشته حق مطلب ادا شود.

بدین جهت در این نوشتار سعی شد که نخست، بحث، به برخی از مسائل کلامی محدود شود و از سوی دیگر از میان دانشمندان دو مکتب، دو نفر که وجهه علمی شایسته‌ای را در نزد پیروان آن مکتب دارد، انتخاب گردد تا مطالب به صورت دقیق‌تر قابل ارزیابی باشد. بر این اساس، از میان مباحث کلامی به شریف‌ترین مبحث که همانا خداشناسی است پرداخته شده و از میان دانشمندان هر دو مکتب، شخص ابومنصور ماتریدی و علامه سید محمدحسین طباطبایی انتخاب گردید.

امید است که این تلاش ناچیز مورد قبول ذات حق قرار گیرد.

حیات الله ناطقی

حوزه علمی قم

بهار ۱۳۸۴

# کلیات

☞ تعاریف

☞ ضرورت بحث

☞ اهداف

☞ پیشینه تحقیق

☞ روش تحقیق

☞ تنگناهای تحقیق

☞ سازمان‌دهی تحقیق



## تعاریف

در این قسمت واژه‌هایی را که در این نوشتار بیشتر مورد استفاده قرار می‌گیرد، توضیح خواهیم داد؛ و کلمات دیگری را که در این نوشته به کار رفته اما خیلی شایع نیست در صورتی که نیاز به تعریف داشته باشد در جای خودش تعریف خواهیم کرد:

۱. علم کلام: واژه کلام در لغت عبارت است از صداهای پشت سر هم که به قصد تفهیم معنا ادا شود.<sup>۱</sup>

در اصطلاح متکلمین، این واژه به دو معنا به کار رفته است:

الف) در بحث کلام الهی، که مراد از آن سخنی است که خداوند عز وجل با برخی از بندگانش گفته است؛ همانند سخن گفتن خداوند عز وجل با حضرت موسی علیه السلام، و همانند قرآن کریم که وحی و کلام خداوند عز وجل است. بر این اساس بحث می‌شود که آیا حقیقت کلام الهی همین الفاظ و حروف است یا اینکه چیز دیگری است؟ تفصیل نظریات مطرح شده در این باب را در بحث کلام الهی، در همین نوشتار، مطالعه خواهید کرد.

ب) کلام به عنوان اسم علمی که عهده دار اثبات عقائد دینی است.

در المواقف آمده: «کلام علمی است که به انسان قدرت می‌بخشد تا عقائد دینی را با

اقامة دلیل اثبات و شبهات را رد کند»<sup>۲</sup>

---

۱. و الکلام فی اصل اللغة عبارة عن اصوات متتابعة لمعنی مفهوم. (فیومی، احمد؛ المصباح المنیر؛ ذیل «کلم»)

۲. و الکلام علم یقتدر معه علی اثبات العقائد الدینیة بإيراد الحجج و دفع الشبهة. (ایجی، عبد الرحمن؛ المواقف فی علم الکلام؛ ص ۷)

از علم کلام تعریف‌های گوناگون ارائه شده است. برای نمونه: ر. ک: المواقف، ص ۷؛ و لاهیجی، عبد الرزاق؛

در باره وجه تسمیه این علم به کلام، نیز احتمالات متفاوتی داده شده است:

۱. مباحث این علم معمولاً با عبارت «الكلام فی...» شروع می‌شده است. به همین جهت این علم را علم کلام نامیده‌اند.<sup>۱</sup>

۲. مشهورترین اختلافات در مباحث کلامی بر سر قدم و حدوث کلام خداوند ﷻ بوده است. بدین جهت این علم را از باب نامیدن شیء به اسم مشهورترین جزئش، کلام نامیده‌اند.<sup>۲</sup>

۳. ممکن است که این نامیدن به این دلیل باشد که این علم به انسان قدرت کلام و سخن گفتن در باره عقائد دینی می‌بخشد.<sup>۳</sup>

۴. در این علم بیش از هر علم دیگر با مخالفان، سخن رد و بدل می‌شود.<sup>۴</sup>

۵. چون ادله‌ای که در این علم اقامه می‌شود قوی‌ترین ادله است، به این جهت به این علم، علم کلام گفته‌اند؛ چنانکه وقتی دو نوع سخن در مورد یک مسأله وجود داشته باشد به قوی‌ترین آن‌ها گفته می‌شود که «هذا هو الکلام» (کلام اینست).<sup>۵</sup>

۲. **خداشناسی:** واژه ترکیبی خداشناسی مرکب است از «خدا» که در زبان فارسی علم برای ذات باری است و «شناسی» که پسوندی است معادل «logy»، و در اصطلاح، «رشته علمی» را می‌رساند؛ همانند: «روان‌شناسی»، «جامعه‌شناسی»، «امام‌شناسی» و...

مراد از این کلمه در این مقاله، مبحث شناخت خداوند ﷻ و اوصاف اوست که مباحث:

---

شوارق الالهام، ص ۳؛ و تفتازانی، مسعود؛ شرح المقاصد؛ ج ۱، ص ۲۹.

۱. الموافق، ص ۸.

۲. همان.

۳. همان.

۴. شرح المقاصد؛ ج ۱، ص ۲۸.

۵. همان.

اثبات وجود خدا ﷻ، توحید، اسماء و صفات الهی را شامل می‌گردد.

۳. ماترید، ماتریدی و ماتریدیة: «ماترید» یا «ماتریت» منطقه‌ای در نزدیکی سمرقند است

که ابومنصور محمد ماتریدی در آنجا به دنیا آمد.

در این باره که این کلمه چگونه تلفظ می‌شود سخنان مختلفی گفته شده است؛ عبدالحی

لکنهویی «ماترید» به ضم تا را صحیح می‌داند و می‌گوید: «برخی نیز آن را «ماتریت» (با تاء

بجای دال) تلفظ کرده‌اند» و در پاورقی می‌گوید:

«کمال بن ابی شریف، در حواشی «شرح العقائد النسفیة» کلمه «ماترید» را به خطا

«ماترید» (به فتح تاء) ضبط نموده و باعث گمراهی بسیاری از مردم شده است»<sup>۱</sup>

خواجه سمرقندی در باره علت نام گذاری این منطقه به ماترید می‌گوید:

«...نقل است که در ابتدای کنده استادن این جوی، حضرت خضر علیه السلام به امیر

مهاجر در سر این جوی ملاقات کرده‌اند و حضرت خضر علیه السلام از امیر مذکور پرسیده‌اند

که «ماترید؟» یعنی «چه اراده می‌کنی تو؟» امیر مهاجر در جواب گفت: «ما ارید» یعنی «آب

اراده می‌کنم من». ازین جهت اول مکانی که از این آب سبز و خرم شد آن را «ماترید» نام

نهادند. و بعضی این حکایت را به شیخ ابوالمنصور ماتریدی و حضرت خواجه

خضر علیه السلام نسبت کنند»<sup>۲</sup>

جدا از صحت و سقم این داستان، صرف توجه به این داستان این مطلب را می‌رساند که

از نظر بومیان منطقه، تلفظ این کلمه «ماترید» (به ضم تا) است، زیرا که اگر به شکل دیگری

تلفظ می‌شد مسلماً داستانی با این کیفیت برای آن نقل نمی‌کردند.

اینکه برخی «ماتریت» (با «ت») تلفظ نموده<sup>۳</sup> شاید به این دلیل باشد که در برخی از

۱. لکنهویی، محمد عبد الحی؛ الفوائد البهیه فی تراجم الحنفیه، ص ۱۹۵؛ ذیل «محمد بن محمد بن محمود».

۲. ابوطاهر خواجه سمرقندی؛ سمریه، قندیه و سمریه؛ به کوشش ایرج افشار، ص ۱۴۹.

۳. ر. ک: «میرزا نیا، منصور؛ آثار و افکار ابومنصور ماتریدی»، کیهان اندیشه؛ ش ۴۰، ص ۷۰.

کتاب‌های فارسی‌ای که در آن ناحیه نوشته شده، استعمال حرف «ت» بجای «د» شایع است چنانکه در تفسیر نجم‌الدین عمر نسفی می‌توان چنین اموری را مشاهده نمود.<sup>۱</sup> به همین جهت اگر در جایی کلمه «ماتریت» مشاهده شود، در واقع همان ماترید است که به دلیل تفاوت در رسم الخط، با «ت» نوشته شده است.<sup>۲</sup>

منظور از ماتریدی خود امام ابومنصور است که به زادگاهش نسبت داده شده و به همین دلیل ماتریدی نامیده شده است.

منظور از ماتریدیه فرقه‌ای است که از نظر عقیدتی از ابومنصور ماتریدی پیروی می‌کنند. اغلب این افراد از نظر فقهی پیرو ابوحنیفه هستند که طبق یک نظر هر ماتریدی مسلک، حنفی نیز هست؛ اما عکس آن کلیت ندارد؛ یعنی حنفیانی که ماتریدی نباشند نیز وجود دارد.<sup>۳</sup>

۴. حنفیه: به کسی که از نظر فقهی از امام ابوحنیفه نعمان بن ثابت کوفی (۸۰ - ۱۵۰ هـ ق) پیروی می‌کند، حنفی گفته می‌شود و مکتبی را که منسوب به اوست مکتب حنفی گویند.<sup>۴</sup> ابوحنیفه به عنوان یک فقیه صرف شناخته نمی‌شود، بلکه متکلم نیز هست، به شکلی که حنفیان، خود را هم از نظر عقیدتی و هم از نظر فقهی پیرو ابوحنیفه می‌دانند، و آراء و افکار عقیدتی او در کتاب‌های: الفقه الاکبر، الفقه الاوسط، الرساله، العالم و المتعلم،

---

۱. برای نمونه، در ترجمه آیه ۵۶ از سوره احزاب: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾ می‌گوید: «ای مؤمنان بروی صلوات گوئید، و وی را سلام گوئید، و قیل حکم وی را گردن دهید». (نسفی، عمر؛ تفسیر نسفی؛ ج ۲، ص ۸۰).

۲. بر اساس اظهارات ساکنان فعلی سمرقند اکنون در زبان خطبا، وعاظ و تحصیل‌کردگان، این کلمه «ماترید» (با ضم «ت» قبل از «ر») و تلفظ به «د» در آخر کلمه خوانده می‌شود ولی عوام مردم در محاورات روز مره «ماتریت» (با کسر «ت» قبل از «ر») و تلفظ به «ت» به جای «د» در آخر کلمه تلفظ می‌کنند.

۳. سلفی، شمس؛ الماتریدیّه و موقفهم من توحید الاسماء و الصفات؛ ج ۱، ص ۲۸۴.

۴. ر. ک: دائرة المعارف بزرگ اسلامی؛ ج ۵؛ مدخل: «ابوحنیفه».